



THE
MENTORING
PROJECT

بخشش



GARRETT KELL

بخشش



GARRETT KELL
(گَرِت کِل)

فهرست مطالب

مقدمه: بخشش	۴
بخش اول: چه چیزی و چرا؟	۷
بخش دوم: چه کسی و چگونه؟	۱۶
بخش سوم: بخشش دشوار	۲۷
نتیجه‌گیری	۳۸
یادداشت‌های پایانی	۴۱



مقدمه: بخشش

یک استاد کمکی از رواندا، در سال دوم تحصیلم در دانشکده الهیات، به‌عنوان مهمان سخنرانی کرد. رفتار فروتنانه او همراه با اقتداری رعدآسا، هنگامی که درباره موضوع آن روز، یعنی بخشش، سخن می‌گفت، به طرز بی‌نظیری توجه ما را جلب کرد.

او درس خود را با صحبت درباره ضیافتی آغاز کرد که برخلاف چیزی بود که پیش‌تر در آن حضور یافته بود. بوی خوراک‌هایی که به‌تازگی پخته شده، با صدای خنده‌های غیرمنتظره درهم می‌آمیخت. اشک‌ها و شهادت‌ها و سرودهای خودجوش شادی وجود داشت. اما آنچه این ضیافت را این‌قدر شگفت‌انگیز می‌ساخت، افراد حاضر در ضیافت و علت گرد آمدن آن‌ها بود.

سال‌ها پیش، جنگ بین قبایل هوتو و توتسی در رواندا به اوج خود رسیده بود. اعمال هولناک جنگ در آن روزها امری رایج بود. چهره استاد ما، آثار زخم‌های ناشی از قمه یک هوتو را بر خود داشت که پس از استفاده برای کشتن چند تن از اعضای خانواده او، به نشانه تمسخر، خطوطی را بر گونه‌هایش ایجاد کرده بود.

به نظر می‌رسید که بازگویی او درباره شرارت‌های وصف‌ناپذیر، انتقام و نفرت را موجه می‌سازد. بااین‌حال، هنگامی که او سخن می‌گفت، آشکار بود که یک چیزی، نفرت

موجود در قلبش را تحت الشعاع قرار داده بود. او آکنده از خشم نبود، بلکه آکنده از بخشش بود. مهمان ما شهادت داد که خبر خوش آموزش خدا برای گناهکاران، از طریق مرگ و رستخیز عیسی، همچون آتشی مهارناپذیر در روستای او گسترش یافته بود و هنگامی که مردم آموزش را از خدا دریافت می‌کردند، آن را به یکدیگر نیز ارزانی می‌داشتند؛ از جمله خود او.

این ضیافت بدین سبب ویژه بود که گرداگرد سفره، هم هوتوها و هم توتسی‌ها نشسته بودند. برخی زخم‌هایی همچون زخم‌های او داشتند، برخی اندام‌هایی را از دست داده بودند و همگی عزیزی را از دست داده بودند. آنان پیش‌تر در پی نابودی یکدیگر بودند. با این حال، در آن شب دست در دست یکدیگر دعا کردند، نان را پاره کردند تا جشن بگیرند و با هم درباره فیض شگفت‌انگیز، آمرزنده، آشتی‌دهنده و شفا بخش عیسی سرود خواندند.

هرچند ممکن است شما نیاز نداشته باشید که کسی را برای اعمال نسل‌کشی ببخشید، اما هیچ‌یک از ما از نیاز به بخشیده شدن و بخشیدن دیگران مبرا نیستیم. دوستان نسبت به یکدیگر گناه می‌کنند؛ و به بخشش نیاز دارند. والدین نسبت به فرزندان گناه می‌کنند و فرزندان نسبت به والدین گناه می‌کنند؛ و به بخشش نیاز دارند. همسران نسبت به یکدیگر گناه می‌کنند، همسایگان نسبت به یکدیگر گناه می‌کنند، بیگانگان نسبت به یکدیگر گناه می‌کنند؛ و ما به بخشش نیاز داریم.

با این حال، بزرگ‌ترین نیاز ما به بخشش، به سبب گناه ما نسبت به خداست. همه ما به‌طور منحصربه‌فرد و شخصی نسبت به خدا گناه کرده‌ایم و سزاوار دوری عادلانه او هستیم (رومیان ۲۳:۳؛ ۲۳:۶). اما خدا راهی فراهم ساخت تا عدالت او اجرا شود و بخشش عطا گردد. پسرش عیسی به میان ما آمد، بی‌گناه زندگی کرد، بر صلیب مرد تا دوری‌ای را که ما سزاوارش بودیم، دریافت کند و سپس از قبر برخاست. کار او اعلام می‌کند که خدا هم عادل است و هم عادل‌شمارنده کسانی که به عیسی ایمان دارند (رومیان ۲۶:۳). آنانی که بخشش بیشتری را از خدا دریافت کرده‌اند، باید با بخشیدن دیگران شناخته شوند.

این کتابچه راهنما به منزله مقدمه‌ای بر مفهوم بخشش کتاب مقدسی است. این به همه پرسش‌های شما پاسخ نخواهد داد، اما اطمینان دارم که به شما و آنانی که همراه شما در این مسیر گام برمی‌دارند تا به دنبال تجسم زندگی انجیلی‌ای باشند که عیسی به کسانی که او را می‌شناسند، عطا می‌کند، یاری خواهد رساند.

۱

چه چیزی و چرا؟

جسیکا روبه روی دوستش، کیتلین، پشت میز نشسته بود. دلش گرفته بود، زیرا می دانست که باید به او بگوید دروغ گفته است. او از این می ترسید که اگر کیتلین حقیقت را بداند، چه فکری خواهد کرد، بنابراین اطلاعات را پنهان کرد و دوستش را فریب داد. کیتلین غافلگیر می شد و احتمالاً (به حق) خشمگین می شد. جسیکا به چشمان دوستش نگاه کرد و گفت: «باید از تو بخواهم که مرا ببخشی. من به تو دروغ گفتم و بسیار متأسفم.»

متأسفانه، چنین گفتگوهایی در دنیای سقوط کرده ضروری است. اما جسیکا دقیقاً از کیتلین می خواهد که چه کار کند؟ اگر هر دو مسیحی باشند، چه انتظاری از آنان می رود؟ کیتلین چه پاسخی باید بدهد؟ آیا بخشش، اختیاری است؟ آیا ضروری است؟ آیا بخشیدن بدین معناست که همه چیز فراموش خواهد شد و دوستی آن ها به حالت پیشین بازخواهد گشت؟ درک بخشش، دشوار است، اما برای پیروان عیسی یک امر اساسی است.

بخشش چیست؟

عهدعتیق و عهدجدید، حداقل از شش واژه برای توصیف جنبه های گوناگون بخشش استفاده می کنند. برخی واژه ها تنها به آموزش گناهکاران توسط خدا اشاره دارند، درحالی که برخی دیگر آنچه را که مردم در اعطای بخشش به گناهکاران دیگر انجام می دهند، دربر می گیرد. موضوع اصلی در همه این واژه ها، مفهوم لغو بدهی است.

برای مقاصدمان در اینجا، بخشش را این گونه تعریف می کنیم:

بخشش، لغو فیض بخش بدهی آکنده از گناه و تصمیم به برقراری رابطه با آن شخص، به عنوان فردی آمرزیده شده است.

بخشیدن بدین معنا نیست که باید اعمال دردناکی را که علیه ما انجام شده فراموش کنیم.

بخشیدن، همان آشتی کردن و احیای رابطه شکسته شده نیست.

بخشیدن لزوماً نیاز به جبران برای اصلاح خطای انجام شده را برطرف نمی‌کند.

بخشیدن بدین معنا نیست که باید از کسی در برابر پیامدهای قانونی درست محافظت کنید.

بخشیدن، بدهی ارتباطی را لغو می‌کند، اما رایگان نیست. چنین می‌گویند: «[بخشش، بهای زیادی برای ما دارد]، زیرا بدین وسیله تصمیم می‌گیریم حق خود را برای بدهکار نگه داشتن شخص خطاکار تسلیم کنیم. از ما می‌خواهد حتی زمانی که شایسته نیست، محبت کنیم و مهربان باشیم، به جای اینکه خودمان انتقام بگیریم، به خدا اعتماد کنیم تا برای وضعیت ما انتقام بگیرد و تعارض‌های زندگی را به عنوان فرصت‌هایی برای آشکار ساختن شخصیت خدا به کار ببریم.»^۱

داستان‌های اندکی در کتاب مقدس هست که بهتر از مَثَل خادم بی‌رحم که در متی ۲۱:۱۸-۳۵ ثبت شده، ماهیت بخشش را نشان می‌دهد. اگر اخیراً آن را نخوانده‌اید، لحظه‌ای درنگ کنید و آن را دوباره بخوانید.

این مَثَل هنگامی مطرح شد که پطرس نزد عیسی رفت و پرسید: «سرور من، تا چند بار اگر برادرم به من گناه ورزد، باید او را ببخشم؟ آیا تا هفت بار؟» پیشنهاد پطرس،

تلاش برای فراتر رفتن از سنت ربّانی آن روزگار بود که تنها سه بار بخشیدن را لازم می دانست. اما عیسی با این پاسخ پطرس را شگفت زده کرد: «به تو می گویم نه هفت بار، بلکه هفتاد و هفت بار.»

عیسی برای توضیح مقصود خود، داستان پادشاهی را بازگو کرد که فرمان داد حساب هایش تسویه شود. یکی از بدهکاران مبلغی گزاف به پادشاه بدهکار بود (تقریباً معادل ۵/۸ میلیارد دلار). آن مرد زانو زد و التماس کرد: «مرا مهلت ده تا همه قرض خود را ادا کنم.» پیشنهاد نامعقول او دل پادشاه را به رحم آورد، و «قرض او را بخشید و آزادش کرد.» اما به محض اینکه مرد آمرزیده شده از قصر بیرون رفت، شخصی را یافت که تقریباً ۱۰,۰۰۰ دلار به او بدهکار بود و «کلویش را فشرد و گفت: "قرضت را ادا کن!"» بدهکار به مرد آمرزیده شده التماس کرد: «مرا مهلت ده تا همه قرض خود را بپردازم.» اما مرد آمرزیده شده به جای به یاد آوردن رحمتی که خودش پس از درخواست کردن دریافت کرده بود، بدهکار را به زندان افکند.

حیرت از پاسخ سنگدلانه او، سراسر پادشاهی را در شوک فرو برد و سرانجام به گوش پادشاه رسید. پادشاه آن مرد را فراخواند، او را توبیخ کرد، بخشش خود را پس گرفت و او را به حبس ابد محکوم نمود. عیسی مَثَل را با نکته اصلی خود به پایان رساند: «به همین گونه پدر آسمانی من نیز با هر یک از شما رفتار خواهد کرد، اگر شما نیز برادر خود را از دل نبخشید.» (متی ۱۸:۳۵).

این مَثَل حداقل سه اصل را درباره بخشش آشکار می کند.

بخشش، ضروری است. عیسی انتظار دارد کسانی که آمرزیده شده اند، ببخشند. اگر خدا بدهی عظیم شما را که به سبب گناه نسبت به او برعهده داشتید، بخشیده است، پس شما نیز باید مایل باشید کسانی را که نسبت به شما گناه می کنند، ببخشید. تقلاً برای بخشیدن، پاسخی قابل درک است. گناه غالباً به شکل عمیقی به ما آسیب می زند. اما اگر قلب خود را نسبت به فرمان خدا سخت کنید و مایل به بخشیدن دیگران نباشید، ممکن است بدین معنا باشد که نسبت به رحمت

خدا برای خودتان دچار گستاخی شده‌اید و در واقع آمرزیده نشده‌اید.

بخشش، انگیزه‌ی بخشش است. هر خواننده‌ای انتظار دارد که شفقت پادشاه، زندگی بدهکار را دگرگون سازد. مرد آمرزیده شده می‌بایست چنان تحت تأثیر رحمت دریافت شده قرار می‌گرفت که کاری غیر از رحم کردن به دیگران نمی‌توانست انجام دهد. محبت و مهربانی فراوانی که به او ارزانی شده بود، باید قلبش را سرشار از تمایل به بخشش می‌ساخت.

بخشش باید نامحدود باشد. هنگامی که عیسی به پطرس می‌گوید تا هفتاد مرتبه هفت بار ببخشد، او صرفاً معیار را بالاتر نمی‌برد؛ بلکه سقف را برمی‌دارد. برای شاگردان عیسی، بخشش باید نامحدود باشد. ما باید همواره مایل، آماده و مشتاق بخشش دیگران باشیم.

چرا باید ببخشیم؟

درحالی‌که آمرزش خدا نسبت به ما باید دلیل کافی برای بخشیدن باشد، اما کتاب مقدس انگیزه‌های دیگری را نیز فراهم می‌کند. مطالب زیر، چهار دلیل بسیار روشن برای این است که چرا مسیحیان باید کسانی را که نسبت به آنان گناه می‌کنند، ببخشند.

۱. عیسی فرمان بخشش را می‌دهد.

عیسی بی‌پرده می‌گوید: «داوری نکنید تا بر شما داوری نشود» (لوقا ۶:۳۷). دعای ربانی همین اندرز را تکرار می‌کند: «پس شما این‌گونه دعا کنید... قرضهای ما را ببخش، چنانکه ما نیز قرضداران خود را می‌بخشیم. و ما را در آزمایش میاور، بلکه از آن شریر رهاییمان ده... زیرا اگر خطاهای مردم را ببخشید، پدر آسمانی شما نیز شما را خواهد بخشید.» (متی ۹:۱۴-۹). هنگامی که این‌طور دعا می‌کنیم، به خدا می‌گوییم: «با گناهان من نسبت به خودت همان‌گونه رفتار کن که من با کسانی که نسبت به من گناه کرده‌اند، رفتار می‌کنم.» آیا می‌توانید با وجدانی آسوده این‌طور دعا کنید؟ آیا می‌توانید در حضور خدا بگویید: «مرا همان‌گونه ببخش که من دیگران را می‌بخشم؟» این‌ها دعاهایی جسورانه هستند.

عدم تمایل به بخشش، گناه نسبت به عیسی است؛ طوری که اقرار ایمان ما را به طور جدی زیر سؤال می برد. اما هنگامی که می بخشیم، در راه او گام برمی داریم. چنان که یک بار دوستی می گفت: «ما هرگز بیش از زمانی که می بخشیم، شبیه عیسی نیستیم.»^۲ به راستی، ایمانداران بخشنده هستند. باین حال، نباید از روی اجبار ببخشیم، زیرا «احکام او باری گران نیست» (اول یوحنا ۳: ۵). بلکه وقتی در محبت به خدایی که ما را بخشید، رشد می کنیم، تحت تأثیر قرار می گیریم تا محبت را به صورت بخشش ارائه کنیم. چنان که مکتوب است: «آن که کمتر آموخته شد، کمتر هم محبت می کند»، اما آن که بسیار آموخته شد، بسیار هم محبت می کند (لوقا ۷: ۳۶-۵۰).

۲. بخشش، قلب ما را آزاد می سازد.

چنین گفته اند: «تلخی مانند این است که خودتان زهر را بنوشید و انتظار داشته باشید که دیگری بمیرد.» روحیه عدم بخشش، تأثیر مرگ باری بر قلب مان می گذارد. بتانی این را به خوبی درک می کرد. او نوه خود را در یک تیراندازی غم انگیز از دست داد؛ و یک سال بعد، پسرش بر اثر مصرف بیش از حد، به طور تصادفی جان باخت. او پاک شده بود، اما در لحظه ضعف، قرص هایی را مصرف کرد که باعث مرگش شد. بتانی خداوند را دوست داشت، اما دل شکسته اش نسبت به مردی که مواد مخدر را به پسرش داده بود، آکنده از خشم بود.

تقریباً یک سال بعد، مردی که قرص ها را به پسرش داده بود، با او تماس گرفت. او از بتانی طلب بخشش کرد و گفت نقشی که در مرگ پسر او داشته، او را از درون می خورد. بتانی به او گفت: «از آنجایی که عیسی مرا بسیار بخشیده، من هم می خواهم تو را ببخشم.» پس از آن به من گفت: «احساس کردم باری از دوشم برداشته شد. من نمی دانستم نفرتم تا چه اندازه مرا پایین می کشید.» بخشش او را آزاد ساخت.

اما ما نباید صرفاً برای اینکه خودمان احساس بهتری داشته باشیم، ببخشیم. ما نمی توانیم زندگی مان با خدا را به عمل گرایی درمانی تقلیل دهیم؛ بلکه بخشش، عمل ایمان است که از فرمان خدا اطاعت می کند و اعتماد دارد که ارزش آن را خواهد داشت. بخشیدن به آزادی و شادی ای می انجامد که عیسی به مطیعان خود وعده داده است:

«این سخنان را به شما گفتم تا شادی من در شما باشد و شادی شما کامل شود» (یوحنا ۱۱:۱۵). بخشش، خدا را جلال می‌دهد و به طرز مرموزی شفای جان‌های ما را به همراه می‌آورد. ما برای نگه‌داشتن کینه، انتقام یا تلخی آفریده نشده‌ایم. بخشیدن، همه بدی‌ها را اصلاح نمی‌کند؛ اما راهی است تا شرارت‌هایی را که علیه ما انجام شده، به خدا بسپاریم و بدانیم که او طوری به آن‌ها رسیدگی خواهد کرد که فقط از عهده او برمی‌آید. هنگامی که می‌بخشیم، به خدایی اعتماد می‌کنیم که گفت: «انتقام از آن من است؛ من هستم که سزا خواهم داد» (رومیان ۱۲:۱۹).

۳. بخشش، نقشه‌های شیطان را خنثی می‌کند.

به نظر می‌رسد که شخصی در کلیسای قرن‌تس تحت تأثیر معلمان دروغین قرار گرفته و علیه پولس رسول شورش کرده بود. جماعت کلیسایی با اجرای انضباط کلیسایی در مورد او واکنش نشان داد. ما از همه جزئیات مطمئن نیستیم، اما «تنبیهی از سوی اکثریت» جماعت کلیسایی واقع شده بود (دوم قرن‌تس ۲:۶).

سرانجام، آن مرد از گناه خود توبه کرد و از کلیسا طلب بخشش نمود. اما برخی در آشتی با او مردد بودند. این امر باعث شد که پولس به آن‌ها اندرز دهد: «اکنون دیگر باید او را ببخشید و دل‌داری دهید، مبدا اندوه بیش از حد، وی را از پا درآورد. بنابراین، از شما استدعا دارم او را از محبت خود مطمئن سازید... من نیز او را می‌بخشم... در حضور مسیح... تا شیطان بر ما برتری نیابد، زیرا از ترفندهای او بی‌خبر نیستیم» (دوم قرن‌تس ۲:۷-۱۱).

پولس به قرن‌تس هشدار می‌دهد که شیطان همچون کوسه‌ای در آب خون‌آلود، پیرامون کلیسای آن‌ها می‌چرخد. او در پی آن بود که آن مرد، کلیسا و شهادت‌شان برای عیسی را ببلعد. پولس تنها در چند آیه، حداقل چهار نقشه شیطان را آشکار می‌سازد.

نخست، شیطان می‌خواهد مانع از بخشش شود. خدا می‌خواهد کلیسایش همچون تابلویی باشد که محبت آمرزنده او را به نمایش می‌گذارد. شیطان می‌خواهد با ممانعت

از بخشش، دامن زدن به تلخی و عمیق تر کردن جدایی‌ها، آن را از بین ببرد. پولس التماس می‌کند که محبت خود را نسبت به او آشکار سازند؛ طوری که هیچ شکی درباره تفکر خدا نسبت به او در ذهنش باقی نماند. آن‌ها در تأدیب او وفادار بوده‌اند؛ اکنون باید در بخشیدن و بازگردانیدن او نیز وفادار باشند.

دوم، شیطان می‌خواهد شرم را افزایش دهد. شیطان می‌خواهد به جای پذیرش این مرد توسط کلیسا، «اندوه بیش از حد، وی را از پا درآورد.» واژگانی که به کار می‌برد، تصویری گویا از مردی است که در اضطرابی ناتوان‌کننده و فراتر از حد تحملش فرو رفته است. شیطان می‌خواهد او را با شرم به زنجیر کشد تا نتواند در آزادی محبت احیاکننده خدا گام بردارد. ابلیس می‌خواهد او را با محکومیت درهم بشکند تا پایداری او در ایمان مختل شود. اما کلیسا باید با بخشیدن او، بار اندوهش را بر دوش گیرد. آن‌ها باید شرم او را با مرهم فیض آمرزنده شفا دهند.

سوم، شیطان می‌خواهد غرور را برانگیزد. او به جای اینکه اجازه بدهد کلیسا در فروتنی مسیح‌گونه عمیق تر شود، می‌خواهد غرور خودپسندانه کلیسا را شعله‌ور سازد. او می‌خواهد کسانی که در وسوسه آن مرد سقوط نکردند، نسبت به نیاز خود به فیض نابینا شوند. بدین‌گونه، کلیسا نسبت به یکدیگر و سرانجام نسبت به مسیح سنگدل خواهد شد. در عوض، قرن‌تین باید به مسیح بنگرند و فروتن شوند، زیرا گناه آن‌ها نیز در مصلوب شدن مسیح نقش داشت. شاید آن‌ها مانند این مرد گناه نکرده بودند، اما باین‌حال گناهکار بودند. آن‌ها نیز همچون او، بدهکاران فیض بودند.

چهارم، شیطان می‌خواهد عیسی را اندوهگین سازد. شیطان می‌داند هنگامی که ایمانداران محبت را از یکدیگر دریغ می‌کنند، خدا اندوهگین می‌شود (افسسیان ۳۰:۴). همان‌گونه که عیسی در مکاشفه ۲-۳ در میان کلیساهای خود راه می‌رود، در میان کلیسای قرن‌تس نیز راه می‌رود. از این رو پولس می‌گوید: «اگر کسی را بخشیده‌ام... در حضور مسیح... چنین کرده‌ام» (به‌طور تحت‌اللفظی، «در برابر روی مسیح»، دوم قرن‌تین ۱۰:۲). پولس می‌خواهد آن‌ها درک کنند که پاسخ‌شان به دعوت برای بخشیدن، عیسی را اندوهگین یا خشنود خواهد ساخت. آن‌ها نباید در برابر نقشه‌های

شیطان تسلیم شوند.

بخشیدن، جنگ روحانی است. لغو بدهی و تسلی دادن به کسانی که علیه ما گناه کرده‌اند، عملی مسیح‌گونه است. بخشیدن دیگران، ما را از افتادن در دام شیطان حفظ می‌کند.

۴. بخشیدن، انجیل را ستایش می‌کند.

اگر کلیسا باید از کسی دوری می‌کرد، آن شخص سولس بود. او با سنگسار استیفاان موافقت کرد، خانه‌به‌خانه ایمانداران را تعقیب نمود و برای نابودی کلیسا از کمک حکومت بهره گرفت (اعمال رسولان ۸: ۱-۳؛ ۹: ۱-۲). سولس بدون مداخله الهی، شکست‌ناپذیر به نظر می‌رسید. باین‌حال، خداوند حملات سولس را متوقف ساخت و او را نجات داد تا کلیسایی را که زمانی قصد نابودی آن را داشت، محبت کند (اعمال رسولان ۹: ۱-۹).

اما پیش از آنکه سولس خدمت به دیگران را آغاز کند، عیسی حنانيا را فراخواند تا تصویری از بخشش انجیلی برای سولس باشد. در اعمال رسولان ۹: ۱۷، لحظه دیدار آن‌ها را می‌بینیم: «حنانيا... به آن خانه درآمد و دست‌های خود را بر او گذاشته، گفت: "ای برادر، شائلول، خداوند یعنی همان عیسی... مرا فرستاده است تا بینایی خود را بازبایی و از روح‌القدس پر شوی..." برخاسته، تعمید گرفت. سپس غذا خورد و قوت خویش بازیافت... روزهایی چند با شاگردان در دمشق به سر برد.»

حنانيا در لحظه‌ای سرشار از محبت انجیلی، با مهربانی دست‌های خود را بر سولس نهاد؛ همان کسی که با نفرت دست بر مسیحیان نهاده بود. او را چنین خطاب کرد: «برادر شائلول.» سولس، خانواده را آزار داده بود؛ اما اکنون در آن خانواده پذیرفته شده بود. سولس پس از بیرون آمدن از آب تعمید، با شاگردان هم‌سفره شد. ضیافت آن‌ها به سبب بخشش امکان‌پذیر بود. هنگامی که دیگران را می‌بخشیم، تصویری مشابه به جهان عرضه می‌کنیم و می‌گوییم: «این همان محبتی است که عیسی به من نشان داده؛ بیا و با او ملاقات کن. ما محبت می‌کنیم، زیرا او نخست ما را محبت

کرد.»

بحث و تأمل:

۱. آیا این بخش برداشت‌های نادرست شما را دربارهٔ بخشش اصلاح کرد؟ چگونه موضوع را برای شما روشن‌تر ساخت؟ آیا می‌توانید توصیف مختصر و مفیدی برای بخشش بنویسید؟

۲. از بین چهار دلیل مذکور برای بخشیدن، کدام یک برای شما چالش‌برانگیزتر یا ملزم‌کننده‌تر بود؟ آیا می‌خواهید نکته‌ای را به آن اضافه کنید؟

۲

چه کسی و چگونه؟

کتاب مقدس به وضوح می‌گوید که مسیحیان چه کسانی را و چگونه باید ببخشند. صرفاً گفتن «همیشه همه را ببخش»، صحیح نیست و قطعاً برای کسانی که با جراحات واقعی و میل به احترام گذاشتن به خداوند دست‌وپنجه نرم می‌کنند، چندان سودمند نیست. مطالب زیر، چند اصل کتاب مقدس برای هدایت تلاش‌های ما به سوی بخشش است.

شما باید آغازگر بخشش باشید.

ایمانداران مسئولیت دارند که آغازگر بخشش باشند. ما باید به دنبال بخشیدن و بخشیده شدن باشیم. در متی ۲۳:۵-۲۴ عیسی می‌گوید: «پس اگر هنگام تقدیم هدیه ات بر مذبح، به یاد آوردی که برادرت از تو چیزی به دل دارد، هدیه‌ات را بر مذبح واگذار و نخست برو و با برادر خود آشتی کن و سپس بیا و هدیه‌ات را تقدیم نما.»

خدا انتظار دارد که ما با فروتنی از نیاز به ترمیم روابط آگاه باشیم. اگر نسبت به کسی گناه کرده‌ایم، باید در پی بخشش و آشتی باشیم. تمثیل عیسی تکان‌دهنده است. او می‌گوید اگر در وسط پرستشی صمیمانه با خدا هستید و همسایه، عضوی از خانواده، همکار، آشنای دانشگاهی، یا عضوی از کلیسا؛ هر کسی که نسبت به او گناه کرده‌اید؛ را به یاد می‌آوردید، باید پرستش را متوقف کرده و در پی آشتی باشید.

برای برجسته ساختن سنگینی تعلیم عیسی، به یک مشاهدهٔ جغرافیایی توجه کنید. قربانی‌ها در معبد اورشلیم تقدیم می‌شد. هنگامی که عیسی این تعلیم را دربارهٔ بخشش در متی ۵ ارائه کرد، در جلیل بود (متی ۲۳:۴). اگر به نقشهٔ کتاب مقدس خود بنگرید، خواهید دید که فاصلهٔ جلیل تا اورشلیم تقریباً ۱۱۲ تا ۱۲۸ کیلومتر بود. بدون

خودرو یا دوچرخه، این سفری چندروزه است. عیسی می‌گوید اگر تمام راه را تا اورشلیم رفته‌اید و یک خطایی را به یاد آورده‌اید-بازگردید. به خانه بروید. آن را اصلاح کنید. سپس بازگردید. پرستش حقیقی بیش از یک قربانی است؛ محبتی آشتی‌دهنده است.

اما اگر کسی نسبت به شما گناه کرده باشد، چه می‌شود؟ آیا موجه است که با تلخی منتظر بمانید تا او نزد شما بیاید یا منفعلانه از او دوری کنید تا زمانی که بمیرد؟ خیر. عیسی می‌گوید ما باید در پی او برویم. به متی ۱۸:۱۵ توجه کنید: «اگر برادرت به تو گناه ورزد، نزدش برو و میان خودت و او خطایش را به او گوشزد کن. اگر سخت را پذیرفت، برادرت را بازیافته‌ای.» این تعلیمی انقلابی است. در متی ۵ و ۱۸، عیسی از چه کسی انتظار دارد که آشتی را آغاز کند؟ شما. من. ما. در هر موقعیتی، صرف‌نظر از اینکه چه کسی مقصر است، عیسی ما را فرا می‌خواند که آغازگر بخشش باشیم.

در هر دو آیه، عیسی فرمان بخشیدن «برادرت» را می‌دهد. آیا این بدان معناست که می‌توانیم بخشش را از غیرایمانداران دریغ کنیم؟ خیر. به تعلیم عیسی در مرقس ۲۵:۱۱ گوش کنید: «پس هر گاه به دعا می‌ایستید، اگر نسبت به کسی چیزی به‌دل دارید، او را ببخشید تا پدر شما نیز که در آسمان است، خطاهای شما را ببخشد.» اگر هرکسی که کاری انجام داده، به ذهن‌مان می‌رسد، باید او را ببخشیم. پولس رسول همین ایده را در رومیان ۱۸:۱۲ تکرار می‌کند: «اگر امکان دارد، تا آنجا که به شما مربوط می‌شود، با همه در صلح و صفا زندگی کنید.» خدا ما را فرا می‌خواند تا صرف‌نظر از آنچه دیگران انجام می‌دهند، هر کاری که می‌توانیم برای پیگیری صلح انجام دهیم. ما نباید خود را در انتظار آغاز آشتی از سوی دیگران محق بدانیم. خدا ما را فرا می‌خواند که گام نخست را برداریم.

باید به شرایط پولس توجه کنیم: «اگر امکان دارد» (رومیان ۱۲:۱۸). در برخی موارد، صلح و آشتی ناممکن است. اگر کسی حاضر به اعتراف به گناه نباشد یا به‌سبب ناتوبه کاری، خطرناک باشد، بخشش نمی‌تواند آشتی صلح‌آمیز پدید آورد. تا لحظاتی دیگر به پیامدهای دشوار خواهیم پرداخت، اما مطمئن باشید که بخشش، دعوتی اساسی برای پیگیری محبت مسیح‌گونه است.

با شکیباییِ فوری ببخشید.

پدر یعقوب به مادرش وفادار نبود و با بازی روانی عاطفی کاری کرد که یعقوب گمان کند که طلاق آن‌ها تقصیر اوست. پدر یعقوب تقریباً هفت سال با او صحبت نکرده بود و زخم‌ها به تلخی خاموشی بدل شده بودند؛ تا اینکه یعقوب با عیسی ملاقات کرد. هنگامی که یعقوب عهدجدید را می‌خواند، خدا او را برانگیخت تا به بخشش پدرش بیندیشد. اما چگونه باید این کار را انجام می‌داد؟ با شکیباییِ فوری.

فوریت. اگر صبر کنیم تا زمانی که مایل به بخشیدن باشیم، ممکن است هرگز چنین کاری را نکنیم. زخم‌هایی مانند زخم یعقوب، احساس استحقاق و سنگدلی را می‌پروراند. اما ایمانداران نباید با احساسات خود هدایت شوند. بلکه باید احساسات خود را به‌سوی اطاعت از خدا سوق دهند و برای بخشیدن تلاش کنند. چون بخشیدن دیگران، عمل اطاعت از خداست، نباید در انجام آن تأخیر کنیم (مقایسه کنید با متی ۵: ۲۳-۲۴؛ مرقس ۱۱: ۲۵).

شکیبایی. بخشیدن دیگران نباید سبک‌سرانه انجام شود. عیسی ما را فرا می‌خواند که بهای اطاعت را در نظر داشته باشیم (لوقا ۱۴: ۲۵-۳۳). بخشش حقیقی اغلب به دعا‌های بسیار، آمادگی کتاب‌مقدسی و مشورت خردمندانه نیاز دارد. الزام جدید یعقوب، نیازمند زمان بود تا بهترین شیوهٔ مراجعه به پدرش و آماده‌ساختن قلبش را در صورت واکنش نامناسب پدرش، تشخیص دهد.

یعقوب مزمور ۳۲: ۱۱۹ را دعا کرد و از خدا خواست که یاری‌اش دهد تا ببخشد: «در طریق فرمانهای تو می‌دوم، زیرا تو دل مرا وسعت می‌بخشی.» او می‌خواست فوراً ببخشد، زیرا خدا فرمان داده بود؛ اما با شکیبایی اطاعت کرد، زیرا نیاز داشت که خدا قلبش را توانمند سازد.

با نگرستن به عیسی و تکیه بر او ببخشید.

عبور از زخم‌ها، آسیب‌ها و خیانت‌ها به‌تنهایی ناممکن می‌نماید. اما به‌جای ناامیدی، باید از خدا کمک بگیریم. عیسی از ما دعوت کرده است: «بیایید نزد من، ای تمامی زحمتکشان و گرانباران، که من به شما آسایش خواهم بخشید» (متی ۱۱: ۲۸). عیسی

به شما کمک خواهد کرد که ببخشید. برای دریافت قوت، به او بنگرید و بر او تکیه کنید. پولس هنگامی که افسسیان را ترغیب می‌کرد تا در محبت شکوفا شوند، از همین انگیزه استفاده کرد: «با یکدیگر مهربان و دلسوز باشید و همان‌گونه که خدا شما را در مسیح بخشوده است، شما نیز یکدیگر را ببخشایید» (افسسیان ۳:۴).

به عیسی بنگرید و عدالت را ببینید. صلیب، اعلامیه‌ی خداست که می‌گوید گناه در جهان هستی او نادیده گرفته نخواهد شد. خدا به طرزی عادلانه، از گناهان ما چنان بیزار است که پسرش برای آن‌ها درهم کوبیده شد. به‌راستی، «حال آنکه به سبب نافرمانیهای ما بدنش سوراخ شد، و به جهت تقصیرهای ما لِه گشت؛ تأدیبی که ما را سلامتی بخشید بر او آمد، و به زخمهای او ما شفا می‌یابیم» (اشعیا ۵۳:۴-۵). نیکویی خدا در فرود آوردن شمشیر عدالت بر سرِ آن شخص بی‌گناه آشکار می‌شود.

جایگزین صلیب، دریاچه‌ی آتش ابدی است. اگر گناهکاران به عیسی که به‌جای آن‌ها داوری شد، پناه نبرند، تحت داوری عادلانه‌ی خدا به جهنم خواهند افتاد. انتقام از آنِ خداوند است و او آن را به‌جا خواهد آورد (تثنیه ۳۲:۳۵؛ رومیان ۱۲:۱۹-۲۰). عیسی به ما وعده می‌دهد که هر سخن بیهوده‌ای بازخواست خواهد شد (متی ۱۲:۳۶) و هنگامی که با بی‌عدالتی روبه‌رو می‌شویم، باید از الگوی او پیروی کنیم، زیرا «چون دشنامش دادند، دشنام پس نداد؛ و آنگاه که رنج کشید، تهدید نکرد، بلکه خود را به دست داور عادل سپرد» (اول پطرس ۲:۲۳). اعتماد به داوری عادلانه‌ی خدا، ما را آزاد می‌سازد تا سخاوتمندانه ببخشیم.

بخشیدن، به خطاکاران ما نمی‌گوید: «کاری که کردید، اشکالی نداشت» یا «چندان مهم نیست.» هرگز! بخشش، خطاهای انجام‌شده نسبت به ما را کوچک نمی‌شمارد. به همه‌ی خطاها به‌طور عادلانه رسیدگی خواهد شد. اطمینان از عدالت، ما را برای بخشیدن آزاد می‌سازد. خواهی در کلیسای ما که گذشته‌ای دردناک با مادر بی‌رحمش داشت، می‌گفت هنگامی که کلیسای ما این سرود را می‌خواند، بسیار تسلی می‌یابد: «او برای جان من خون ریخت و مرد، مسیح مرا استوار نگاه می‌دارد؛ عدالت اجرا شده، او مرا استوار نگاه می‌دارد.»^۳ او می‌داند که به گناهان خودش در مسیح رسیدگی شده

است، اما قدوسیت خدا و این حقیقت را نیز به یاد می‌آورد که به همه گناهان؛ از جمله گناهی که مادرش نسبت به او انجام داده؛ به‌طور عادلانه رسیدگی خواهد شد؛ خواه بر روی صلیب یا در جهنم.

به عیسی بنگرید و رحمت را ببینید. هیچ‌چیز به اندازه بخشیده شدن، قلب ما را برای بخشیدن تحت تأثیر قرار نمی‌دهد. رحمت خدا نسبت به شما در مسیح، نیرومندترین سلاح علیه قلب تلخ است. اگر برای بخشیدن تقلا می‌کنید، توجه خود را به رحمت عیسی معطوف سازید. در نظر داشته باشید که او با شکیبایی به دنبال شما آمد. در نظر داشته باشید که او نسبت به دل سنگ شما، چقدر شفقت داشت. به صلیب بنگرید و پسر خدا را ببینید که برای شما خون می‌ریزد. صدای او را بشنوید که فریاد برمی‌آورد: «تمام شد!» و بدانید که کار او برای شما تمام شد. قلب خدا را بشنوید که می‌گوید: «خداوندگار پیهو می‌گوید، من از مرگ هیچ‌کس خشنود نمی‌شوم؛ پس بازگشت کنید و زنده مانید» (حزقیال ۳۲: ۱۸). از خدا بخواهید که این نوع شفقت را نسبت به کسانی که شما را آزرده‌اند، در شما پدید آورد.

برای دریافت قوت به عیسی تکیه کنید. بخشش، به قوتی مافوق‌طبیعی نیاز دارد. خوشبختانه، خدا قوت اطاعت از هرآنچه را که فرمان می‌دهد، فراهم می‌کند (فیلیپیان ۱۳: ۲). عیسی به ما هشدار می‌دهد: «جدا از من، هیچ نمی‌توانید کرد» (یوحنا ۱۵: ۵) و درعین‌حال به ما اطمینان می‌دهد که «من هر روزه تا پایان این عصر با شما هستم» (متی ۲۸: ۲۰). آیا برای بخشش، بیش از حد ضعیف و خسته‌اید؟ برای شما یک خبر خوشی هست. عیسی وعده می‌دهد: «فیض من تو را کافی است، زیرا قدرت من در ضعف به کمال می‌رسد» (دوم قرنتیان ۹: ۱۲). ما چگونه به این قوت دست می‌یابیم؟ دعا کنید. کتاب مقدس بخوانید. برای خداوند سرود بسرایید. با اشتیاق پرستش کنید. پیوسته عیسی را از طریق کلامش بجوید. زندگی خود را به روی ایمان‌داری دیگر بگشایید، کسی که بتواند شما را تشویق کند و به اعتماد بر خدا فراخواند. هنگامی که چنین کنید، تغییر می‌کنید و توانمند می‌شوید که ببخشید.

نتایج را به عیسی بسپارید. لین مادر بزرگش را دوست داشت، اما کشمکش‌های خانوادگی رابطه آن‌ها را تیره کرده بود. او آرزو داشت با مادر بزرگ سالخورده‌اش آشتی

کند، پس گفتگویی را با هدف آشتی آغاز کرد. لین دعا کرد، آماده شد و به همه راه های ممکن برای عذرخواهی در مورد اتفاقاتی که رخ داده بود، اندیشید. هنگامی که به دیدار مادر بزرگش رفت، حرف دلش را به او گفت و از او خواست که او را ببخشد. اما به جای دریافت رحمت، مادر بزرگش در چشمانش نگرینست و گفت: «تو برای من مرده ای. این خانه را ترک کن و هرگز بازنگرد.» این ضربه ای خردکننده برای لین بود که هرآنچه را که می توانست برای اصلاح اوضاع انجام داده بود. این داستان به ما یادآور می شود که تنها خدا می تواند قلب را تغییر دهد. در نگاه نخست، شاید به نظر برسد که تلاش های لین بیهوده بود. اما این طور نبود. او ماه ها پیش از آن گفتگو، با خدا کار کرده بود و این امر زندگی او را به طور اساسی تغییر داد. او فروتن شد، ایمانش تقویت گردید و کسانی که با او گام برمی داشتند، تشویق شدند که زندگی خودشان را بیازمایند. مسئولیت لین این بود که به دنبال صلح باشد و نتایج را وفادارانه به خدا سپارد (رومیان ۱۲: ۱۸). هنگامی که در پی صلح و آشتی با دیگران هستی، از خدا یاری بطلبید، اما بدانید که زمان بندی او ممکن است متفاوت از زمان بندی شما باشد. بذر بکارید و آبیاری کنید، اما به یاد داشته باشید که خدا رشد می دهد (اول قرنتیان ۳: ۶).

با یاری سایر ایمانداران ببخشید.

زندگی مسیحی قرار نیست در انزوا باشد. خدا ما را از گناه بیرون آورده و به مسیح؛ و کلیسای مسیح؛ وارد کرده است. ایمانداران همچون خانواده ای متحدند که یکدیگر را محبت می کنند و در اطاعت از عیسی یکدیگر را تشویق می نمایند. نویسندۀ عبرانیان به ما فرمان می دهد: «هر روز، تا آن زمان که هنوز 'امروز' خوانده می شود، یکدیگر را پند دهید تا کسی از شما در اثر فریب گناه، سختدل نشود» (عبرانیان ۱۳: ۳). عدم بخشش، اثری فریبنده بر دل های ما دارد. ما را متقاعد می سازد که مستحق تلخی هستیم. اگر عدم بخشش را پرورش دهیم، توانایی ما برای پایداری در ایمان به خطر خواهد افتاد. از این رو به دوستان دیندار نیاز داریم که هر روز ما را پند دهند تا برای دریافت قوت بخشش، بر خدا تکیه کنیم. ما به آن ها نیاز داریم تا برای ما دعا کنند، به ما مشورت دهند، تشویق نمایند، پاسخگو نگه دارند و در طول مسیر با ما بگریند یا شادی کنند.

فیلیمون، ایمانداری وفادار از کولسی بود. او آن قدر ثروتمند بود که کلیسایی را در خانه

خود میزبانی می‌کرد و خدمتکاری خانگی به نام اونیسیموس داشت. ظاهراً اونیسیموس چیزی را از فیلیمون دزدیده و به روم گریخته بود، به امید اینکه همه‌چیز را از نو آغاز کند. اما خدا نقشه‌ای دیگر داشت. اونیسیموس طبق مشیت الهی، با پولس رسول برخورد کرد و پولس او را به ایمان در مسیح رهبری نمود. اونیسیموس متقاعد شد که باید بازگردد و با فیلیمون آشتی کند. پولس نامه‌ای نوشت و از فیلیمون درخواست کرد که اونیسیموس را ببخشد و او را همچون برادر در مسیح بپذیرد. اگر اخیراً آن را نخوانده اید، زمانی را به خواندن کتاب فیلیمون اختصاص دهید.

در این نامه، هفت روشی را می‌یابیم که پولس از طریق آن‌ها بخشش و آشتی را برمی‌انگیزد.

نخست، پولس، *اونیسیموس را تشویق به توبه می‌کند*. پولس با فرستادن اونیسیموس نزد فیلیمون، به او کمک می‌کند تا توبه‌ای را که خدا در او پدید آورده، به عمل آورد. ما نمی‌دانیم پولس تا چه اندازه به اونیسیموس کمک کرد تا گناهش را نسبت به فیلیمون درک کند، اما بسیار محتمل است که این موضوع، محور بسیاری از گفتگوهای آن‌ها بود. اگر شما کسی را شاگردسازی می‌کنید، به‌طور منظم دربارهٔ روابط پُرتنش و راه‌های ممکن برای درخواست بخشش یا بخشیدن گفتگو کنید. دوستی همچون پولس باشید و دوستی همچون پولس داشته باشید تا شما را به اطاعت از خدا برانگیزد.

دوم، پولس *ایمان فیلیمون را تقویت می‌کند* (آیات ۴-۷، ۲۱). در سراسر نامه، پولس بر محبت و ایمان فیلیمون تأکید می‌کند (آیه ۵)، که باعث ایجاد شادی و طراوت در میان ایمانداران شده است (آیه ۷). او از اعتماد خود به اطاعت فیلیمون سخن می‌گوید و اعتماد دارد که او فراتر از آنچه خواسته شده عمل خواهد کرد (آیه ۲۱). همچنین، پولس به فیلیمون این اطمینان را می‌دهد که برای او دعا می‌کند (آیه ۶). دعا، صرفاً مهربانی کردن به ایماندار دیگری نیست که سعی می‌کند ببخشد. دعا امری ضروری است، زیرا قدرت خدای قادر مطلق را برای مداخله فرامی‌خواند. اونیسیموس به قوت روحانی نیاز دارد تا با فروتنی در پی بخشش

باشد. فیلیمون به قوت روحانی نیاز دارد تا ببخشد. دعا، عطا، این قوت را از خدا می‌طلبد. اگر به کسی برای بخشیدن کمک می‌کنید، با دعاهای مداوم برای او و با تشویق او در مورد شیوه‌هایی که کار خدا را در زندگی‌اش دیده‌اید، او را به اطاعت برانگیزید.

سوم، پولس از رابطه خود بهره می‌گیرد (آیات ۸-۱۴). پولس رابطه‌ای دیرینه با فیلیمون داشت و الگوی وفاداری از نحوه مباشرت بر سرمایه ارتباطات بود. در به کارگیری اعتبار رابطه‌تان برای سوق دادن مردم به اطاعت از خدا درنگ نکنید. خدا این رابطه را برای چه چیز دیگری به شما بخشیده است؟ هیچ چیز مانند کمک کردن به یک دوست برای اطاعت از خداوند، نشان‌دهنده محبت نیست.

چهارم، پولس فیلیمون را به اطاعت صمیمانه فرا می‌خواند (آیات ۸-۹). پولس تنها نگران نتیجه مداخله نبود. او می‌داند که تغییر حقیقی و پایدار، فقط از قلب تغییر یافته سرچشمه می‌گیرد. پس به جای اینکه فیلیمون را وادار به پذیرش اونیسموس کند، شفقت را در او برمی‌انگیزد. با دعا به مردم کمک کنید که از صمیم قلب خواهان بخشش باشند، نه اینکه صرفاً از روی وظیفه این کار را انجام دهند.

پنجم، پولس بر کار مقتدرانه خدا تأکید می‌کند (آیات ۱۵-۱۶). پولس به فیلیمون کمک می‌کند که تصویر بزرگ کار مقتدرانه خدا را در این شرایط ببیند. او رنجشی را که اونیسموس تجربه کرده، کوچک نمی‌شمارد یا خیانتی را که احساس کرده، بی‌اهمیت جلوه نمی‌دهد. اونیسموس از فیلیمون دزدی کرد و به او بی‌احترامی کرد. اما با گفتن اینکه «چه بسا که از همین رو اندک زمانی از تو جدا شد» (آیه ۱۵)، نگاه فیلیمون را به بالا جلب می‌کند. او می‌خواهد فیلیمون بداند که مشیت فیض بخش خدا اجازه داد که اونیسموس از نزد او به آغوش مسیح بگریزد. همه این‌ها بخشی از نقشه خدا بود «تا برای همیشه نزدت بازگردد، اما دیگر نه چون غلام، بلکه... چون برادری عزیز.» کسی را بیایید که بتواند به شما کمک کند تا تصویر بزرگ کار احتمالی خدا را در شرایط کنونی خود ببینید.

ششم، پولس پیشنهاد می‌کند که هر بدهی‌ای را بازپرداخت کند (آیات ۱۷-۱۹). پولس نمی‌خواهد اوامر مادی مانع از آشتی شوند. او پیشنهاد می‌دهد که به جبران خسارت یاری رساند، اگر این کار فیلیمون را به بخشیدن اونسیموس تشویق می‌کند. این مطابق الگوی عیسی است که حقوق، جلال و جان خود را فدا کرد تا دیگران را برکت دهد. اگر توان مالی دارید و می‌توانید با پرداخت بدهی‌ها یا قرض‌دادن پول، موانع مادی آشتی را برطرف کنید، به پیروی از الگوی پولس بیندیشید.

هفتم، پولس بر منافع روحانی تأکید می‌کند (آیه ۲۰). پولس با بیان این سخن، بخشش می‌طلبد: «در خداوند نفعی از تو به من برسد؛ پس جان مرا در مسیح تازه ساز» (آیه ۲۰). پولس به فیلیمون اطمینان می‌دهد که ابزار رحمت خدا بودن در زندگی اونسیموس، او را نیز برکت خواهد داد. او می‌خواهد با مشاهده زندگی بر اساس انجیل، دلگرم شود. او مشتاق است که فیلیمون، خدمتکار پیشین خود را برادری محبوب در مسیح ببیند. او از فیلیمون تمنا می‌کند که پیام‌آور رحمتی باشد که انجیل را مجسم می‌سازد. یادآوری اهمیت ابدی بخشش به مردم، همراه با آثار موج حیات‌بخش آن در این زندگی، می‌تواند سوخت مورد نیاز برای پیگیری آشتی را فراهم آورد.

بخشیدن می‌تواند به‌طور خاصی فرساینده باشد و بهتر است با یاری دوستانی دنبال شود که به‌سرعت انجیل را به شما یادآوری می‌کنند. چه کسی به شما کمک می‌کند که این آب‌های دشوار را هدایت کنید؟ چگونه می‌توانید به دیگران کمک کنید که همین کار را انجام دهند؟

با اعتماد به نیکویی حاکم خدا ببخشید.

داستان‌های کمی در کتاب مقدس، همچون روایت یوسف (پیدایش ۳۷-۵۰)، تعامل بین نیکویی حاکم خدا و بخشیدن را به تصویر می‌کشد. یوسف، یکی از آن دوازده برادر بود. پدرش، یعقوب، محبتی ویژه نسبت به یوسف داشت که حسادت تلخی را در برادرانش برانگیخت. آن‌ها در بین خودشان توطئه کردند و یوسف را ربودند، به‌عنوان برده فروختند و سپس برای مرگ او صحنه‌سازی کردند. هنگامی که برادران به خانه

بازگشتند، به پدرشان دروغ گفتند؛ به او گفتند که حیوانی وحشی یوسف را کشته است.

یوسف به مصر برده شد، جایی که مجموعه‌ای از سختی‌های اندوهبار را پشت سر گذاشت و به ناحق متهم، زندانی و از سوی همگان، غیر از خدا، فراموش شد. پس از حدوداً بیست سال، خداوند از طریق تعبیر خواب، یوسف را مقام دوم پس از فرمانروای مصر ساخت. قحطی جهانی، مردم، از جمله برادران یوسف را برای خرید نان از یوسف، به سوی مصر روانه کرد. یوسف آنان را شناخت، اما گذر زمان هویت او را از ایشان پنهان کرده بود.

پس از مجموعه‌ای از رویدادهای گیج‌کننده، برادران متقاعد شدند که گرفتاری‌هایشان بازپرداخت الهی برای کاری است که با یوسف کرده بودند. یوسف دریافت که آن‌ها از گناه خود نسبت به او عمیقاً پشیمان هستند و حتی دید که یکی از برادرانش، یهودا، جان خود را به خطر می‌اندازد تا برادر کوچکش، بنیامین، را نجات دهد.

یوسف تحت تأثیر احساساتش قرار گرفت و هویت خود را بر برادرانش آشکار ساخت. شگفتی به وحشت بدل شد، زیرا آنان می‌ترسیدند که یوسف از قدرتش برای انتقام گرفتن استفاده کند. اما در عوض، او به آنان رحم کرد و درخواست کرد که یعقوب را به مصر بیاورند تا از او مراقبت کند. پس از مرگ یعقوب، برادران بار دیگر ترسیدند و گفتند: «اگر یوسف از ما کینه داشته باشد انتقام همه آن بدی را که در حق او کردیم از ما خواهد گرفت» (پیدایش ۱۵:۵۰). هنگامی که یوسف از ترس آنان آگاه شد، «گریست...[و] به آنان گفت: مترسید. زیرا مگر من در جای خدا هستم؟ شما قصد بد برای من داشتید، اما خدا قصد نیک از آن داشت تا کاری کند که مردمان بسیاری زنده بمانند، چنانکه امروز شده است» (پیدایش ۱۷:۵۰-۲۰).

ما می‌توانیم درس‌های فراوانی را دربارهٔ بخشش، از این داستان استخراج کنیم، اما آشکارترین آن‌ها این است که نیکویی حاکم خدا، یوسف را از انتقام‌جویی آزاد ساخت. یوسف توانست از طریقی که حکمت خدا شرایط، از جمله خیانت و فروخته شدن توسط

برادرانش را برای تحقق نیکویی ترتیب داده بود، قدردانی کند. افتخار دیدن چنین پیوندهای روشنی بین مقاصد خدا و دردهای ما، ممکن است در این دنیا رخ دهد، اما نادرتر از آن است که ما ترجیح می‌دهیم.

بیشتر اوقات، ما ناچاریم به ابدیت بنگریم، به آینده‌ای که در آن خدا به ما اطمینان می‌دهد که «رنج‌های جزئی و گذرای ما جلالی ابدی برایمان به ارمغان می‌آورد که با آن رنجهای قیاس‌پذیر نیست» (دوم قرنتیان ۴:۱۷). هنگامی که خدا می‌گوید رنج‌های ما در این زندگی، جزئی است، درد ما را کوچک نمی‌شمارد؛ بلکه جلال آینده را بزرگ می‌سازد. او از سوءاستفاده، خیانت، تهمت، حملات، بی‌توجهی، ستم و دردهای این زندگی بهره می‌گیرد تا شادی ابدی را مهیا کند که به مراتب فراتر از آن‌ها خواهد بود. پس هر چقدر که زخم‌های ما سنگین باشد، وزن جلالی که عیسی با خود می‌آورد، بس فراتر از آن‌هاست. در رومیان ۸:۲۸ به ما وعده داده شده که «می‌دانیم در حق آنان که خدا را دوست می‌دارند و بر طبق اراده او فرا خوانده شده‌اند، همه چیزها با هم برای خیریت در کار است.» همه چیز در این زندگی نیکو نیست، اما خدا نیکوست. اگر بتوانیم به این حقیقت تکیه کنیم، آزادانه می‌توانیم در این دنیا ببخشیم، زیرا می‌دانیم او در دنیای آینده، همه چیز را درست خواهد کرد.

بحث و تأمل:

۱. آیا بخشی از این قسمت شما را به چالش کشید؟ آیا موقعیتی در زندگی شما هست که از مطالبی که در اینجا خوانده‌اید، بهره‌مند شود؟
۲. چگونه بخشش حقیقی، منعکس‌کننده کاری است که خدا در مسیح برای ما انجام می‌دهد؟

۳

بخشش دشوار

بخشش در جهانی سقوط کرده تقریباً همیشه دشوار است. زخم‌ها شخصی‌اند و به‌کارگیری اصولی که بررسی کردیم، برای بسیاری از مردم به‌گونه‌های متفاوتی نمود خواهد یافت. من عمداً این نکات روشنگر را تا پایان درس نگاه داشتم. اگر مانند من باشید، ممکن است وسوسه شوید که درد خودتان را چنان منحصربه‌فرد بدانید که شما را از پیروی از سخنان روشن و سنگین عیسی معاف کند. تفاوت‌های ظریف مهم است، اما اگر نابخردانه انجام شود، می‌تواند به سلب فرمان خدا برای بخشش قلبی بینجامد. در عین حال، بخشش می‌تواند پردردرس باشد، چنان‌که شش پرسش زیر نشان می‌دهد.

پرسش شماره ۱: آیا باید ببخشم و فراموش کنم؟

گفته‌هایی هست که مردم گمان می‌کنند در کتاب مقدس آمده، اما چنین نیست. «خدا به کسانی که به خودشان کمک می‌کنند، کمک می‌کند» و «خدا چیزی را که فوق از طاقت تو باشد، به تو نخواهد داد»، دو نمونه از آن‌ها هستند. در کودکی، معلم کانون شادی، جمله دیگری را به من آموخت. در درسی درباره بخشش، به ما گفت که خدا می‌خواهد «ببخشیم و فراموش کنیم.» در آن زمان، این توصیه‌ای معقول و حتی کتاب مقدسی به نظر می‌رسید. اما خدا به ما فرمان نمی‌دهد که ببخشیم و فراموش کنیم.

کتاب مقدس می‌گوید:

«عقل انسان خشم او را بازمی‌دارد؛ جلال او در چشم‌پوشی از خطاست» (امثال ۱۱:۱۹).

«[محبت]...کینه به دل نمی‌گیرد» (یا «حساب خطاها را نگه نمی‌دارد»، ترجمه

NIV84) (اول قرنیتان ۵:۱۳)

«مهمتر از همه، یکدیگر را به شدت محبت کنید، زیرا محبت، انبوه گناهان را می

پوشاند» (اول پطرس ۸:۴).

آری، ما باید نسبت به گناهکاران بزرگوار باشیم. اما این بدان معنا نیست که همیشه «می‌بخشیم و فراموش می‌کنیم.» احتمالاً ریشه این عبارت، در نحوه برخورد خدا با گناهان ماست. در مزمور ۱۰۳:۱۲، به ما گفته می‌شود: «به اندازه‌ای که مشرق از مغرب دور است به همان اندازه نیز نافرمانیهای ما را از ما دور کرده است.» فاصله بین شرق و غرب، غیرقابل محاسبه است. هنگامی که خدا می‌بخشد، گناهان ما را تا جایی که ذهن ما بتواند تصور کند، دور می‌سازد. میکاه نبی اعلام می‌کند: «بار دیگر بر ما رحم خواهد کرد، و بر گناهان ما چیره خواهد شد. تو تمامی گناهان ما را به قعر دریا خواهی افکند» (میکاه ۱۹:۷). هنگامی که خدا می‌بخشد، گناهان ما را چنان به قعر اقیانوس می‌اندازد که دیگر هرگز دیده نشوند. اشعیا به ما اطمینان می‌دهد: «من هستم، آری من، که نافرمانیهای را به خاطر خویشتن محو می‌سازم، و گناهانت را دیگر به یاد نمی‌آورم» (اشعیا ۴۳:۲۵).

این آیات بدین معنا نیست که خدای دانای مطلق نمی‌تواند گناهان ما را به یاد آورد. او از کاری که کرده‌ایم، ناآگاه نیست. بلکه بدین معناست که چون عیسی بهای کامل آن گناهان را پرداخته است، ما آمرزیده شده‌ایم و «اکنون برای آنان که در مسیح عیسی هستند، دیگر هیچ محکومیتی نیست» (رومیان ۱:۸). خدا هرگز گناهان ما را برای شرمسار کردن یا محکوم نمودن ما نمایان نخواهد کرد. ما با او آشتی کرده‌ایم. او گناهان ما را بخشیده و تصمیم گرفته که آن‌ها را فراموش کند.

ما می‌توانیم مشتاق باشیم که مانند خدا ببخشیم، اما ضعف انسانی ما مانع می‌شود. از این رو نیاز داریم که در هدایت واقعیت‌های دشوار بخشیدن کسانی که نسبت به ما گناه کرده‌اند، بر فیض خدا تکیه کنیم. یکی از واقعیت‌های اساسی که باید به یاد داشته باشیم، تمایز بین بخشش، آشتی و احیا است.

بخشش ← آشتی ← احیا

بخشش	آشتی	احیا
تصمیم	فرایند	نتیجه

بخشش، تصمیمی است که در آن بدهی ارتباطی شخصی را که نسبت به ما گناه کرده لغو می‌کنیم. از آن پس، تصمیم می‌گیریم که با او همچون فردی آمرزیده‌شده رفتار کنیم. در کتاب مقدس، از بخشش در دو سطح سخن می‌گوید: نگرشی و آشتی‌جویانه.^۴

بخشش نگرشی (که گاهی عمودی نامیده می‌شود)، نگرش یا بخشش قلبی را توصیف می‌کند که در آن مردم را می‌بخشیم، صرف‌نظر از اینکه توبه کرده باشند یا نه. عیسی می‌گوید: «پس هر گاه به دعا می‌ایستید، اگر نسبت به کسی چیزی به دل دارید، او را ببخشید تا پدر شما نیز که در آسمان است، خطاهای شما را ببخشد» (مرقس ۱۱:۲۵). به محض اینکه مسیحی عدم بخشش را در دل خود بیابد، آن را اعتراف می‌کند و وضعیت را به خدا می‌سپارد. بخشش حقیقی، در آزادی از میل به انتقام و اشتیاق به درست شدن رابطه خطاکار با خدا نمایان خواهد شد (رومان ۱۲:۱۷-۲۱).

پدر امبر، مردی شریر بود. او برای سال‌ها، بی‌وقفه امبر و مادرش را تحقیر می‌کرد. سرانجام خانواده را ترک کرد و با معشوقه‌ای دیگر زندگی کرد. او درد آن‌ها را به تمسخر گرفت و حتی نامه‌هایی سنگدلانه برای امبر نوشت و گفت که ای‌کاش او هرگز به دنیا نیامده بود. سخنانش او را می‌آزرد، باین‌حال امبر متقاعد شده بود که خدا از او می‌خواهد که پدرش را ببخشد. ترس و تردید، او را آزار می‌داد تا اینکه یک دوستی به او کمک کرد که بداند بخشش به معنای فراموش کردن نیست و اینکه تصمیم به بخشیدن پدرش، بیش از آنکه بین او و پدرش باشد، بین او و خداوند است. امبر برای تمایل به بخشش دعا کرد. کم‌کم دلش نرم شد و در برابر دعوت خداوند برای بخشش قلبی پدرش تسلیم شد. چنین بخششی، منعکس کننده قلب خداست؛ خدایی که درباره‌اش گفته‌اند: «تو خدایی آمرزنده، فیاض و رحیم، و دیرخشم و آکنده از محبتی» (نحمیا ۹:۱۷). باشد که همواره در تمایل به

بخشیدن همانند خدا رشد کنیم.

بخشش آشتی‌جویانه (که گاهی افقی نامیده می‌شود)، بخششی ارتباطی را توصیف می‌کند که خطاکارِ توبه‌کار را می‌بخشد و فرایند آشتی را آغاز می‌کند. عیسی در لوقا ۱۷:۳-۴ درباره آن سخن می‌گوید: «پس مراقب خود باشید! اگر برادرت گناه کند، او را توبیخ کن، و اگر توبه کرد، ببخشایش؛ اگر هفت بار در روز به تو گناه ورزد، و هفت بار نزد تو بازآید و گوید: "توبه می‌کنم"، او را ببخشا.» در این وضعیت، عیسی به‌وضوح می‌گوید: «اگر توبه کرد، ببخشایش.» این سطح از بخشش، مشروط به اعتراف و توبه خطاکار از گناه خویش است. بخشش نگرشی، هنگامی که اعتراف به گناه صورت گیرد، به‌سوی بخشش آشتی‌جویانه حرکت می‌کند.

آشتی، فرایندی است که در آن می‌آموزیم با شخصی که او را بخشیده‌ایم، طوری رابطه برقرار کنیم که، در صورت امکان، اعتماد را احیا کند، زخم‌ها را شفا بخشد و به دنبال روابط صلح‌آمیز با او باشد. برای تحقق این فرایند، خطاکار باید توبه کند. برای تشخیص توبه حقیقی و تعیین سرعت آشتی، به حکمت نیاز داریم.

توبه حقیقی. دوم قرنیتان ۱۰:۷، به ما اطمینان می‌دهد: «چون اندوهی که برای خدا باشد، موجب توبه می‌شود، که به نجات می‌انجامد و پشیمانی ندارد. اما اندوهی که برای دنیاست، مرگ به بار می‌آورد.» اندوهی که برای خداست، دل‌های ما را برای توبه حقیقی آماده می‌سازد. این توبه با دیدن گناه‌مان نسبت به خدا آغاز می‌شود (مزمور ۴:۵۱) و با اندوه به‌خاطر اندوه‌گین ساختن خدا همراه است. اندوه دنیوی به توبه ساختگی می‌انجامد که بر خوددلسوزی متمرکز است. توبه دروغین، بر کنترل خسارت، مقصر دانستن دیگران و بهانه‌جویی متمرکز می‌کند. گناه ما را کوچک می‌شمارد و توجیه می‌کند. اما توبه حقیقی به‌خاطر گناه مان نسبت به خدا سوگواری می‌کند و مشتاق است که کارهای لازم را برای شفا بخشیدن به شخص آزرده انجام دهد.

سرعت آشتی. سرعت آشتی ممکن است به طرز چشمگیری، کوتاه یا بسیار طولانی باشد؛ بسته به شدت خطا و سرعتی که خدا شفا را عطا می‌کند. همان گونه که آشتی یک فرایند است، توبه نیز اغلب یک فرایند است. اکثر ما با برداشتن هزار گام کوچک در جهت نادرست، دچار آشفتگی می‌شویم. توبه نیز غالباً هزار گام کوچک در جهت درست است. توبه حقیقی درمی‌یابد که گناهش ایجاب می‌کند که سرعت فرایند، آهسته باشد. حتی هنگامی که خدا ما را می‌بخشد، همیشه ما را از پیامدهای گناهانمان آزاد نمی‌سازد. آشتی را نمی‌توان شتابزده پیش برد و معمولاً به شخصی بالغ، تعلیم‌دیده و بی‌طرف نیاز است تا تضمین کند که گفتگوها همراه با دعا، صادقانه و عاری از بازی روانی است.

احیا، نتیجه بخشش و آشتی است. جایگاه ارتباطی برای شفاست که دیگر درد بر آن حاکم نیست، شفا رخ داده است و اعتماد دوباره بنا شده است. همه روابطی که به سبب گناه شکسته شده‌اند، قابل احیا نیستند، اما بسیاری می‌توانند احیا شوند. قدرت انجیل قادر است گناهکاران مرده را زنده کند و حتی زخمی‌ترین روابط را شفا بخشد. برای احیا دعا کنید. برای احیا تلاش کنید. خدا از این کار خشنود می‌شود، پس دلسرد نشوید. بر او امید دارید که قادر است بی‌نهایت فزون‌تر از هر آنچه خواهیم یا تصور کنیم، عمل کند (افسیسیان ۳: ۲۰).

پرسش شماره ۲: اگر هنوز خشمگین هستیم، چه کار کنیم؟

حتی پس از بخشش صادقانه، احساس ناآرامی ممکن است به‌طور غیرمنتظره شعله ور شود. این نباید ما را غافلگیر کند. ما روبات‌هایی نیستیم که بدون احساس زندگی کنیم. ما تجسمی از صورت خدا با احساسات واقعی، امیال ناپایدار، گناه باقی‌مانده و شرایط متغیر هستیم. شاید خاطره آسیبی که متحمل شده‌اید، به ذهن‌تان راه یابد، یا شاید الگوهای قدیمی بار دیگر چهره زشت خود را نشان دهند؛ و احساس کنید که خشم در درون‌تان می‌جوشد. ممکن است بپرسید: «مگر آنان را نبخشیده بودم؟» اگرچه بخشش، یک تصمیم است، شفایی که پس از آن می‌آید، نیازمند زمان است. در دعا پایدار بمانید. در مشارکت نزدیک با افرادی که ذهنیت انجیلی دارند، باقی بمانید. تا به شما کمک کنند که هم زخم‌های گذشته و هم کشمکش‌های حال را پردازش کنید. خداوند کار می‌کند. او در هر لایه از شفا، آماده و مایل به یاری رساندن است. خسته

نشوید.

پرسش شماره ۳: اگر بخشش، خطرناک باشد، چه کار کنم؟

بخشش، دشوار است. تقریباً همیشه شامل احساسات ناراحت‌کننده، دردناک یا فرساینده است. اما دشواری با خطر فرق دارد. ما تصدیق کردیم که برخی روابط چنان با آثار گناه مخدوش شده‌اند که نیازمند بخشش هستند، اما آشتی، قابل‌توصیه یا امکان‌پذیر نیست (مراجعه کنید به «اگر امکان دارد»، رومیان ۱۸:۱۲). موارد آزار جسمانی، آزار جنسی یا بازی روانی و عاطفی شدید باعث می‌شود که شخص آن‌قدر زخمی شود که شفاییش در این دنیا دست‌یافتنی نباشد.

اگر طوری نسبت به شما خطا ورزیده‌اند که حرکت از بخشش به آشتی را خطرناک می‌سازد، این حقایق را به یاد داشته باشید:

شفا/امکان‌پذیر است. تجربه شما نباید تعریف‌کننده شما باشد. در مسیح، امید فراوان برای شفا وجود دارد. خدا چیزی را هدر نمی‌دهد و اتفاقاتی را که برای شما رخ داده، برای تعمیق اعتمادتان به خدا و منبع یاری رساندن به دیگران به‌کار خواهد گرفت (دوم قرنتیان ۱:۳-۱۱).

خودتان را با دوستان انجیلی احاطه کنید. همان‌طور که گفتیم، نباید به‌تنهایی مسیر بخشش را طی کنید. اگر عمیقاً آسیب دیده‌اید، به کلیسای انجیل‌محور و همراهان تعلیم‌دیده انجیل‌محور نیاز دارید تا در پردازش تجربه‌های آسیب‌زننده تان به شما کمک کنند.

دلایل خود را برای آشتی‌نکردن بررسی کنید. آسیب‌دیدن، ما را مستحق اجتناب از اعمال چالش‌برانگیز ایمان نمی‌سازد. کاری که با شما کرده‌اند، ممکن است چنان هولناک باشد که نتوانید بدون واکنش‌های جسمانی و عاطفی آسیب‌زایی مجدد در کنارشان باشید. ممکن است توبه نکنند؛ این آشکارا شما را از ضرورت پیگیری آشتی معاف می‌سازد. خدا از شما نمی‌خواهد با اعتماد به افراد غیرمعمود، خود را به خطر اندازید. با این‌حال، او شما را فرا می‌خواند که برای

انجام هرآنچه از شما می‌خواهد، مشتاق باشید. وضعیت دل خود را در حضور خداوند و همراه با دوستان انجیلی بررسی کنید تا مطمئن شوید که هر مقاومتی در برابر آشتی، از ایمان سرچشمه می‌گیرد، نه از ترس گناه‌آلود.

خودتان را به خدا بسپارید. خداوند از ضعف شما آگاه است (مزمور ۱۴۰:۳). او در هنگام گام برداشتن در مسیر شفایی که شما را در آن هدایت می‌کند، با شما صبور خواهد کرد. او را در دعا بطلبید. هنگامی که می‌ترسید، بر او توکل کنید (مزمور ۵۶:۳). خداوند از ضعف شما آگاه است و خزانه‌هایی سرشار از فیض برای شما دارد (مزمور ۳۱:۱۹؛ دوم قرن‌تین ۹:۱۲). نویسندهٔ عبرانیان شما را فرا می‌خواند: «پس چون کاهن اعظمی والامقام داریم که از آسمان‌ها درگذشته است... که [می‌تواند] با ضعف‌های ما همدردی کند... پس آزادانه به تخت فیض نزدیک شویم تا رحمت بیابیم و فیضی را حاصل کنیم که به هنگام نیاز یاریمان دهد» (عبرانیان ۴:۱۴-۱۶). به عیسی نزدیک شوید؛ فیض و رحمت او شما را یاری خواهد داد.

اگر شما طوری نسبت به دیگران خطا ورزیده‌اید که آشتی را دشوار می‌سازد، این حقایق را در نظر داشته باشید:

شما باید توبه کنید. شما برای آنچه انجام داده‌اید، پاسخگو خواهید بود. هیچ گناهی در روز آخر نادیده گرفته نخواهد شد. به دعوت خدا برای توبه گوش فرا دهید (اعمال رسولان ۱۷:۳۰). گناه خود را با صداقت کامل نزد خدا اعتراف کنید (مزمور ۵۱؛ اول یوحنا ۱:۹). از گناه خود به‌طور کامل توبه کنید. پشیمانی خود را ابراز کنید و از کسانی که آن‌ها را آزرده‌اید، طلب بخشش نمایید. اگر طوری به دیگران خطا ورزیده‌اید که ممکن است آزاردهنده یا خطرناک تلقی شود، پیش از تماس با او باید از مشاور تعلیم‌دیده راهنمایی بگیرید تا در این فرایند شما را یاری دهد. توبه ممکن است شامل مداخلهٔ مقامات مدنی نیز باشد، اگر اعمال شما غیرقانونی بوده است. توبه ممکن است شامل جبران هزینه‌های چندین سال‌مشاوره باشد (لوقا ۱۹:۸). توبهٔ حقیقی در انجام کارهای لازم برای گام

برداشتن در راه‌های پارسایی آشکار خواهد شد. مترسید؛ خدا با شما خواهد بود (عبرانیان ۱۳: ۵-۶).

بخشش *خدا فراوان است*. اگر گناه خود را نزد خدا اعتراف کرده و به‌راستی توبه کرده‌اید، امید زیادی برای شما وجود دارد. جایی که گناه افزون شد، فیض بی نهایت افزونتر گردید (رومیان ۵: ۲۰). خدا بدترین گناهکاران را می‌بخشد تا رحمت او در شما و از طریق شما بزرگ شود (اول تیموتائوس ۱: ۱۵-۱۶). آنانی که از سوی خدا آمرزیده شده‌اند، در حضور او پارسا شمرده می‌شوند. او با وجود کاری که انجام داده‌اید، از شما خشنود است. این زیبایی انجیل است.

امیال خود را به خدا بسپارید. خدا محکومیت گناهان ما را برمی‌دارد، اما پیامدهای آن‌ها را برنمی‌دارد. ارتکاب برخی گناهان، برای همیشه زندگی و روابط شما را دگرگون خواهند کرد. ممکن است سنگینی کاری را که انجام داده‌اید، احساس کنید و عمیقاً مایل به آشتی کردن باشید. این امیال نیکو را به خدا بسپارید. تنها از طریق میانجی بی‌طرف و مورد اعتماد ارتباط را آغاز کنید. در انتظار خداوند بمانید. امکان گفت‌وگوهای بیشتر ممکن است فراهم شود یا نشود. در روز داوری، شما برای کاری که انجام می‌دهید، پاسخگو خواهید بود، نه برای واکنش دیگران.

پرسش شماره ۴: اگر آن‌ها بخشش مرا نخواهند، چه می‌شود؟

برخی افراد نیاز خود به بخشیده‌شدن را نخواهند دید. ممکن است به‌سبب گناه خودشان نابینا شده و در برابر محکومیت خدا سخت‌دل شده باشند. ما نمی‌توانیم کسی را وادار کنیم که نیازش به دریافت بخشش را ببیند؛ تنها خدا می‌تواند چنین کند. در این موارد، همچنان مسئولیم که آنان را از دل ببخشیم (مقایسه کنید با بخشش نگرشی/درونی). هنگامی که عیسی روی صلیب دعا کرد، الگویی برای پیروی کردن به ما داد: «اینان را ببخش، زیرا نمی‌دانند چه می‌کنند» (لوقا ۲۳: ۳۴). او برای بخشش آنان دعا کرد، با وجود اینکه آن‌ها نیاز خود به بخشش را خوار می‌شمردند. عیسی دستوراتی مشابه به ما داد و گفت: «دشمنان خود را محبت نمایید و به آنان که از شما نفرت دارند، نیکی کنید. برای هر که نفرینتان کند برکت بطلبید، و هر کس را که آزارتان

دهد دعای خیر کنید» (لوقا ۶: ۲۷-۲۸). دشمنان ما گمان نمی‌کنند که به بخشش ما نیاز دارند. ما نمی‌توانیم آن را کنترل کنیم، اما باید محبت مافوق‌طبیعی مسیح را با برکت‌دادن به آن‌ها، حتی اگر ما را لعنت کنند، نشان دهیم.

پرسش شماره ۵: اگر دوباره به من آسیب بزنند، چه می‌شود؟

موریا سخت تلاش کرده بود که جف را ببخشد. همسرش او را در هنگام تماشای پورنوگرافی دیده بود و این موضوع زندگی مشترک تازه‌شان را به شدت متزلزل کرده بود. جف به گناه خود اعتراف کرده و مسئولیت آن را پذیرفته بود و پیشرفت چشمگیری در احترام گذاشتن به خداوند و همسرش داشت؛ تا اینکه دوباره، وقتی همسرش خارج از شهر بود، لغزش خورد. در یک لحظه، تمام تلاش یک ساله‌شان بر باد رفت. جف گناهش را نزد کشیش خود و همسرش اعتراف کرد و سپس بار دیگر از او طلب بخشش کرد. موریا ترکیب شدیدی از خشم عادلانه و گناه‌آلود را احساس می‌کرد. او انتظار نداشت که دوباره در چنین موقعیتی قرار بگیرد و قلبش را به روی همسرش بسته بود.

آیا موریا باید دوباره جف را ببخشد؟ بله. اگرچه گناه جف جدی بود، اما سخنان عیسی نیز جدی است: «مراقب خود باشید! اگر برادرت گناه کند، او را توبیخ کن، و اگر توبه کرد، ببخشایش. اگر هفت بار در روز به تو گناه ورزد، و هفت بار نزد تو بازآید و گوید: "توبه می‌کنم"، او را ببخشا» (لوقا ۱۷: ۳-۴). بخشش باید بدون محدودیت عرضه شود. جف باید گام‌های جدی برای زندگی بر اساس توبه بردارد و فرایند آشتی با موریا نیازمند تلاش‌های بیشتری خواهد بود. اما فیض خدا برای نیازهای هر دوی آن‌ها کافی است. ممکن است زمانی فرا برسد که الگوهای گناه، خواه پورنوگرافی یا چیزهای دیگر، چنان به اعتماد رابطه آسیب بزنند که اعتبار اقرار ایمان شخص زیر سؤال برود. این وضعیت‌های موردی نیازمند رهبری حکیمانۀ شبانان خداپسند و احتمالاً مشاوران بیرونی خواهد بود.^۵

پرسش شماره ۶: اگر آن‌ها مرده‌اند، آیا می‌توانم آن‌ها را ببخشم؟

سارا در کنار قبر خواهرش ایستاده بود. سکوت سنگ‌قبر اشلی، سردی رابطه‌شان را به او یادآوری می‌کرد. خواهرش بی‌رحم و سختگیر بود. سخنانش جان سارا را زخمی کرده

بود و زخم درمان نشده، به وسیله گناه عفونی شده بود. مسیر ویرانگر سارا، تقصیر اشلی نبود، اما بی‌تردید با آن مرتبط بود. مرگ نابهنگام اشلی، سارا را با این آرزو رها کرده بود که ای کاش فرصتی دیگر برای بیان دردهایش داشت، با امید شنیدن اینکه اشلی بگوید: «لطفاً مرا ببخش.» اما اکنون بسیار دیر شده بود. یا آیا واقعاً این‌طور بود؟

مرگ، چیزهای بسیاری را از ما می‌گیرد، اما مسئولیت و فرصت بخشیدن را از ما نمی‌گیرد. بخشش، تصمیم‌گیری برای لغو بدهی ارتباطی دیگران است. در نهایت، بخشش، تصمیمی است که خدا ما را به انجام آن قادر می‌سازد و آن را برای اطاعت از او انجام می‌دهیم. مرگ، مانع از آن نمی‌شود که سارا تصمیم بگیرد خواهر مرحومش را ببخشد. سارا می‌تواند جان خواهرش را به داور عادل بسپارد (اول پطرس ۲: ۲۳-۲۴).

اگر از سوی کسی که مرده یا هرگز نمی‌توانید او را بیابید، آسیب دیده‌اید، همچنان می‌توانید او را ببخشید. بخشش نگرشی امکان‌پذیر است، زیرا شما از دل می‌بخشید. نزد خداوند دعا کنید و درباره هرآنچه آرزو داشتید به آن شخص بگویید، تأمل نمایید. نوشتن آن می‌تواند سودمند باشد. احتمالاً خوب است که احساسات خود را با دوست یا مشاور معتمدی که طرز فکر انجیلی دارد، در میان بگذارید. اگر رفتن بر سر مزار آن شخص و گفتن کلمات با صدای بلند، به شما کمک می‌کند، انجام این کار بسیار خوب است. اما در نهایت، درد خود را نزد خداوند ببرید. هنگامی که به سرنوشت آنان می‌اندیشید، به سخنان ابراهیم تکیه کنید: «آیا داور تمامی جهان عدالت را به جا نخواهد آورد؟» (پیدایش ۱۸: ۲۵). خدا کار درست را انجام خواهد داد. به او اعتماد کنید.

بحث و تأمل:

۱. آیا موقعیتی در زندگی شما هست که این پرسش‌ها به آن پردازند؟ این بخش چگونه به شما کمک کرد؟
۲. تفاوت بین بخشش، آشتی و احیا را چگونه خلاصه می‌کنید؟
۳. از میان پرسش‌های بالا، کدام یک بیش از همه درک شما از بخشش را به چالش

می کشد؟



نتیجه‌گیری

یکی از همین روزها، هستی، به گونه‌ای که آن را تجربه کرده‌ایم، پایان خواهد یافت. خداوند عیسی بازخواهد گشت و آنچه را که تاریخ انسانی نامیده‌ایم، به فرجام خواهد رساند. در آن روز، او همهٔ انسان‌ها را با پیروزی از قبر برمی‌خیزاند و آنان را برای داوری در برابر تخت بزرگ سفید خود گرد می‌آورد (متی ۳۶:۱۲-۳۷؛ دوم قرنتیان ۵:۱۰؛ مکاشفه ۱۱:۲۰-۱۵).

در آن روز، هیچ چیز گرانبهاتر از بخشش نخواهد بود. ایستادن، نه در پارسایی خود، مانند انبوه کسانی که در گناه خویش محکوم خواهند شد؛ بلکه ایستادن با آمرزش، ملبس به ردای پارسایی که با خون مسیح خریداری شده و با فیض خدا عطا شده است. تا جزو آموزیده‌شدگانی شمرده شویم که نام‌شان در دفتر حیات بره نوشته شده است. پذیرفته‌شدن با این کلمات: «آفرین، ای خادم نیکو و امین... در شادی ارباب خود شریک شو» (متی ۲۵:۲۳). خود خدا با سرودها بر ما شادی خواهد نمود (صفنیا ۳:۱۷) و ما با سرودهای سپاسگزاری جاودانی به او پاسخ خواهیم داد (مزمور ۷۹:۱۳). سرودهای ما با الهام از اعمال فراوان رحمت خدا خواهد بود. در مرکز همهٔ آن‌ها، بخشش خیرخواهانه، بی‌استحقاق، بی‌کران او خواهد بود که در مسیح عیسی به ما عطا شد.

این مطالعه را بر سر سفرهٔ دشمنان پیشین آغاز کردیم که از طریق انجیل عیسی مسیح به دوستان آموزیده‌شده بدل شدند. آن را با تصویری از جلال آینده به پایان می‌بریم که در آن نیز سفره‌ای دیگر اهمیت خواهد یافت. این ضیافت بر فراز کوهی به نام صهیون برپا خواهد شد. سفرهٔ آنجا میزبان شام عروسی بره خواهد بود، جایی که

آمرزیدگان خوراک‌های فربه خواهند خورد و شراب کهنه خواهند نوشید (مکاشفه ۹:۱۹؛ اشعیا ۶:۲۵). در آنجا، دشمنان آشتی‌کرده و خصمان آمرزیده‌شده در کنار یکدیگر خواهند نشست. با هم جام سپاسگزاری را برخوایم افراشت و ندا خواهیم داد: «هان این خدای ما است؛ که منتظر او بودیم تا نجاتمان بخشد. این خداوند است که منتظر او بودیم، پس در نجات او وجد و شادی کنیم» (اشعیا ۹:۲۵). خداوندا، آن روز را بشتابان.

هنگامی که این کتابچه راهنما را می‌خوانید، آن روز را در نظر داشته باشید. بگذارید امید جلال و قطعیت دیدار مسیح، انگیزه شما برای بخشیدن باشد. امروز در پرتو آن روز ببخشید. بخشیدن کسانی که به شما آسیب زده‌اند، می‌تواند به شدت دشوار باشد. بخشش، نیازمند فروتنی است. نیازمند یاری خداست. اما این را با اطمینان به شما می‌گویم: اگر با بخشیدن، عیسی را حرمت نهد، در آن روز واپسین پشیمان نخواهید شد. امروز تصمیم‌هایی را بگیرید که تا ده‌هزار سال دیگر که در حضور خدا می‌ایستید، برای آن‌ها شکرگزار خواهید بود. هنگامی که خدا را رودررو می‌بینید، از بخشیدن کسانی که در این دنیا به شما آسیب زده‌اند، پشیمان نخواهید شد. به‌نوعی، بهره‌مندی شما از حیات جاودان، از اطاعت در این دنیا سرچشمه خواهد گرفت (مکاشفه ۸:۱۹). ببخشید. در پی صلح باشید. برای آشتی بکوشید. رحم کنید.

ای قدیس عزیز، دلسرد مشو، ما نزدیک خانه هستیم.

برای مطالعه بیشتر

Tim Keller, *Forgive: Why Should I and How Can I?*

David Powlison, *Good and Angry*

Brad Hambrick, *Making Sense of Forgiveness: Moving from Hurt Toward Hope*

Hayley Satrom, *Forgiveness: Reflecting God's Mercy (31-Day Devotionals for Life)*

Chris Brauns, *Unpacking Forgiveness: Biblical Answers for Complex Questions and Deep Wounds*

Steve Cornell, "How to Move from Forgiveness to Reconciliation," TGC article, March 2012

Ken Sande, *The Peacemaker: A Biblical Guide to Resolving Personal Conflict*



یادداشت‌های پایانی

۱. Andrea Thom, "What is Biblical Forgiveness?," TGC Canada, September 23, 2020.

۲. Matthew Martens, *Reforming Criminal Justice: A Christian Proposal* (Wheaton, IL: Crossway, 2023), 158.

۴. «او مرا استوار نگاه می‌دارد»، این سطور نوشته Matt Merker، ۲۰۱۳ است.

۵. این مفاهیم برگرفته است از D. A. Carson, *Love in Hard Places*, quoted in Tim Keller, *Forgive: Why Should I and How Can I?*, 82, and David Powlison, *Good & Angry: Redeeming Anger, Irritation, Complaining, and Bitterness*, 84–87.

۶. توجه کنید به Desiring God, April 30, "Pornography and Church Discipline," 2022.



گرت کِل از زمانی که دوستی در دوران دانشگاه، انجیل را با او در میان گذاشت، به طور ناکامل از عیسی پیروی کرده است. اندکی پس از ایمان آوردن، خدمت شبانی را در تگزاس، واشینگتن دی سی، و از سال ۲۰۱۲، در کلیسای باپتیست دِل ری در اسکندریه، ویرجینیا آغاز کرده است. او با گری ازدواج کرده و آنها شش فرزند دارند.

